

تبیین جایگاه مهاجرت معکوس در بازساخت

روستاهای شمال استان اردبیل

اسماعیل ابراهیمی^۱

عضو هیات علمی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس‌آباد مغان، پارس‌آباد، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۹

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی علل اصلی شکل‌گیری مهاجرت معکوس و سنجش تأثیرات آن در بازساخت اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، فضایی- کالبدی و سیاست‌گذاری و راهبردی در روستاهای شمال استان اردبیل (شهرستانهای پارس‌آباد، بیله‌سوار و مغان) است. روش انجام پژوهش نیز کتابخانه‌ای- اسنادی است که با تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و استفاده از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای با توزیع پرسشنامه بصورت تصادفی ساده در بین ۳۳۳ نفر از مسولین مرتبط (فرمانداران، بخشداران)، کارشناسان بنیاد مسکن، دهیاران، اعضای شورای اسلامی روستاها و نیز اهالی روستاهای مورد مطالعه صورت گرفته است. برای آزمون متغیرهای پژوهش از روش پیرسون و نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه مثبت، معنادار و تأثیرگذاری بین متغیر مهاجرت معکوس و متغیرهای اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، فضایی- کالبدی و سیاست‌گذاری و راهبردی وجود دارد.

واژگان کلیدی: پارس‌آباد، بیله‌سوار، مغان (گرمی)، مهاجرت معکوس، توسعه روستایی.

۱- مقدمه

مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم جمعیت‌شناختی و یکی از جنبه‌های تحلیل جمعیت است، پدیده‌ای که به نقل و انتقالات سکونتی انسان از مکانی به مکان دیگر مربوط می‌شود. مردم غالباً از سرزمین‌هایی که شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها نامساعد است خارج و به مناطقی که دارای جاذبه‌های شغلی بهتر، دستمزدهای بالاتر و شرایط اقتصادی و اجتماعی مطلوب‌تر است وارد می‌شوند (Statistical Center of Iran, 2006). مشکلات و معضلات فراوان موجود در کلان‌شهرها، اعم از ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی، گرانی زمین و مسکن، فشارهای روحی و روانی، آلودگی بیش از حد هوا، هزینه‌های بیشتر و... به عنوان عوامل دافعه و در مقابل ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا، نبود مشکلات شهری و... در مناطق روستایی به عنوان عوامل جاذبه عمل کرده و شهرنشینان را به صورت خود جوش به سکونت در روستاهای پیرامون یا محل زندگی اولیه‌شان (مهاجرت معکوس) سوق می‌دهند. گاه شدت این تحرک و جابجایی فضایی جمعیت به گونه‌ای است که حتی برخی از این روستاها با تغییر کارکرد، به صورت روستاهای خوابگاهی یا خانه دوم خودنمایی می‌کنند. بررسی چگونگی و دلیل این تحرک و جابجایی مهاجرت بین شهرها و روستاهای مورد نظر و تأثیرگذاری آن‌ها بر روستاهای هدف که همان ارزیابی اثرات مهاجرت معکوس در بازساخت روستاهای مورد مطالعه است، هدف و ضرورت انجام این تحقیق را تشکیل می‌دهد و فرض بر این است که در این امر، عواملی چون نزدیکی به شهر و وجود امکانات ارتباطی مناسب، امکان تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا، نوع شغل و محل اشتغال مهاجران در روستاها در بخش‌های مختلف کشاورزی و دام‌پروری، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست (آلودگی‌های صوتی، تنفسی و...) و... تأثیرگذار است. با توجه به موضوع تحقیق، مفهوم مهاجرت در این پژوهش به مفهوم جابه‌جایی جمعیت از روستا به شهر و از شهر به روستا یا به تعبیری مهاجرت معکوس، امروزه شاهد بازگشت شهرنشینان به روستاها و حتی مهاجرت از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک هستیم. گرچه این رویه مسئله‌ای تازه نیست ولی امروزه شدت و آهنگ رشد سریع‌تری به خود گرفته است و این مسئله در محدوده ناحیه مورد مطالعه ما کاملاً مشهود و قابل سنجش و ارزیابی است که میزان تأثیرگذاری عوامل مختلف جغرافیایی در مهاجرت معکوس در این محدوده از جنوب به شمال و شرق به غرب و بالعکس کاملاً نمایان است. عواملی نظیر ارتفاع، منابع آب، وضعیت آب و هوایی و پستی و بلندی در شکل‌گیری مهاجرت‌های معکوس در این محدوده دخیل هستند؛ و ما در این پژوهش به دنبال تحلیل میزان تأثیرپذیری این عوامل از مهاجرت معکوس هستیم تا مشخص شود مهاجرت‌های معکوس به‌عنوان متغیر مستقل چه تأثیری بر این متغیرها و یا برعکس داشته است.

۲- مهاجرت معکوس^۱

مهاجرت^۲ به معنی ترک سرزمین، وطن و دیار مادری (اصلی) خود به سرزمین (شهر و یا کشور) دیگر و اسکان و زندگی در آن به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود است. این اهداف می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... باشد. مهاجرت گاه به صورت اختیاری و گاهی نیز اجباری است. با توجه به مفهوم مهاجرت،

^۱ Reverse Migration

^۲ Immigration

بازگشت مجدد مهاجرین به موطن اصلی خود برای زندگی به دلایل گوناگون که مهم‌ترین آن توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیر بنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد و پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... در منطقه مهاجرپذیر است، منجر به بروز پدیده مهاجرت معکوس می‌شود. مهاجرت معکوس در ایران بیشتر به بازگشت مردم از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و یا از شهرها به مناطق روستایی مربوط می‌شود. در حالی که در سطح بین‌المللی بازگشت مهاجرین از کشور مقصد به موطن اصلی خودشان یعنی کشور مهاجر فرست^۱ را مهاجرت معکوس می‌گویند.

در این تحقیق با توجه به مفاهیم فوق، مفهوم اثرات مهاجرت معکوس در باز ساخت روستاهای ناحیه مورد مطالعه در شمال استان اردبیل مورد مطالعه قرار گرفته است؛ و در آن مهاجرین وارد شده به روستاهای مورد مطالعه اعم از مهاجرین بومی که قبلاً مهاجرت کرده‌اند یا مهاجرین تازه وارد که روستا را به‌عنوان محل زندگی به دلایل مختلف از جمله محل زندگی، کاری، خوابگاهی، تفریح و استراحت و یا... انتخاب نموده‌اند مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲- بازساخت روستایی^۲

بازساخت اصطلاحی است که همه فرایندهای اقتصادی و اجتماعی و... را در بر می‌گیرد. مفهوم بازساخت روستایی به معنای باز تولید مکانی و فضایی، تجدید حیات یا تغییرات فیزیکی- کالبدی، فرهنگی- اجتماعی، راهبردی و... در روستاها بر اساس تأثیرپذیری از عوامل مختلف را شامل می‌شود که تأثیرات آن‌ها را در روستاها می‌توان ارزیابی، سنجش و اندازه‌گیری کرد.

فرایند مهاجرت امری پیچیده است که نه تنها حجم و رشد جمعیت یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در ساختار مکانی و توزیع جمعیت ایجاد می‌کند. مهاجرت از دیرباز به عنوان یک عامل مؤثر بر حجم نیروی کار، توزیع نیروی کار برحسب مهارت، آموزش، تخصص و اشتغال، فرصت‌های شغلی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید بوده است. مهاجرت همچنین عاملی است که پیامدهای اجتماعی و روان‌شناختی بر مبدأ و مقصد مهاجرت داشته است (Keshtkar, 2008). مهاجرت یک پدیده خالص اجتماعی اقتصادی است که نتیجه مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی است. مهاجرت همواره بخشی مهم از شهرنشینی، توسعه اقتصادی، تغییرات اجتماعی و سازمان سیاسی بوده است. مهاجرت با تغییر پایگاه، شغل و موقعیت مکانی فرد نیز مرتبط است. مهاجرت عبارت است از جا به جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر به منظور کار یا زندگی. مردم معمولاً به دلیل دور شدن از شرایط یا عوامل نامساعد دورکننده‌ای مانند فقر، کمبود غذا، بلایای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت مهاجرت می‌کنند. دلیل دوم می‌تواند شرایط و عوامل مساعد جذب‌کننده مانند امکانات بهداشتی بیشتر، آموزش بهتر، درآمد بیشتر و مسکن بهتر در مقصد مهاجرت باشد.

مهاجرت در لغتنامه جمعیت‌شناسی سازمان ملل^۳ چنین تعریف شده است: مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ

^۱. country of origin

^۲. rural restructuring

^۳. UN demographic dictionary ر.ک <http://www.un.org/en/development/desa/population/migration/index.shtml>

یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود است. این گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم^۱ گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیست، تفکیک کرد (Zanjani, 1986).

مهاجرت حرکت افراد از مبدأ به مقصد بوده و بر دو نوع است: خروج از یک منطقه، کشور و بخش و ورود به یک محدوده جغرافیایی دیگر که عموماً حرکت جمعیت از منطقه کم توسعه به طرف منطقه پیشرفته است که از یک شهر به شهر دیگر، به مادر شهر و غیره و حتی از یک روستا به روستای دیگر است (Taghavi Nejad deylami, 1969). مهاجرت نشانه پویایی مردمان یک شهر و یک پدیده اساساً جمعیتی است. به خاطر این نکته متناسب با آن می‌توان جنبه‌های متفاوت حرکات جمعیت را با متغیرهای «سن، جنس، نژاد، ملیت، اشتغال، سطح آموزش و غیره» در نظر گرفت. که تأثیر آن بر رشد جمعیت و اقتصاد و توسعه هر منطقه قابل ملاحظه است (Tavasoli, 1974).

مهاجرت روستایی^۲ و کوچ بازگشتی^۳ هم نوعی از مهاجرت است که فرد در دهستانی متولد می‌شود، به شهر می‌رود و قسمت اصلی زندگی فعالش در همان‌جا می‌گذرد، در پایان زندگی فعال به دهستان موطن خویش باز می‌گردد و روزهای پایان زندگی خویش را در آنجا به سر می‌برد (Pitie, 1978). بر این اساس مهاجرت‌های معکوس بر بزرگسالان و بازنشستگان استوار است. در عین حال عده‌ای از جوانان نیز ترجیح می‌دهند به دلایل بهداشتی (عدم آلودگی هوا، آب، صدا و...) در روستا اقامت نموده و روزها صرفاً برای کار وارد شهر شوند (Rabbani, 2010). از آنجا که شهر محل رشد و توسعه است، مهاجرت‌ها عمدتاً از روستا به سمت شهرها هستند.

۳- عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت

پژوهش‌های گسترده‌ای که طی چندین دهه گذشته در زمینه‌ی مهاجرت‌های روستایی - شهری^۴ انجام گرفته، همگی بر این اصل دلالت دارند که اکثر مردم به دلایل اقتصادی جابجا می‌شوند. وقتی از مردم پرسیده می‌شود چرا جابجا می‌شوند؟ دلیل اصلی آنان چشم‌اندازهای بهتر در اقتصاد شهری است. جریان‌های مهاجرت میان مناطق به تفاضل‌های درآمد میان آن مناطق بستگی دارند و با گذشت زمان که شرایط اقتصادی در مقصد تغییر می‌یابد جریان مهاجرت نیز دگرگون می‌شود.

روانشتاین^۵، مهاجرین را اشخاصی به شمار می‌آورد که به طور عقلایی برای دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر برانگیخته می‌شوند. به عقیده او مهاجرین از مناطق فقیر به مناطقی که فرصت‌های بیشتری به آن‌ها دهد، نقل مکان می‌کنند. انتخاب مقصد با توجه به مسافت و مهاجرت از شهرها و روستاهای کوچک‌تر با تناسب فاصله نسبت به شهرهای بزرگ‌تر، پی‌درپی صورت می‌گیرد (Findley, 2009).

¹. Permanent immigration

². Rural Migration

³. Return migration

⁴. Rural-urban migration is the movement of people from the countryside to the city

⁵. Ernst Georg Ravenstein was a German-English geographer cartographer. As a geographer he was less of a traveller than a researcher; his studies led mainly in the direction of cartography and the history of geography

کارکردگرایان^۱ برآنند که با برهم خوردن تعادل در یک نظام، مهاجرت به گونه عنصری الزامی برای برقراری تعادل در جامعه به کار می‌افتد. بدین‌سان، مهاجرت از یک سو به مکانیسم تطابق فرد با تغییرات پدید آمده بدل می‌گردد و از سوی دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه باز می‌گرداند.

تودارو^۲ نیز معتقد است که مهاجرت انگیزه‌های اقتصادی خاصی دارد و انگیزه‌های اقتصادی را برحسب تفاوت‌های مشاهده شده در درآمد روستایی- شهری با فرض اینکه مهاجرین در جستجوی ماکزیمم درآمد هستند، تعریف می‌کند (Findley, 2009). اصولاً فقر روستاییان که انگیزه اصلی مهاجرت آنهاست در نتیجه نابرابری توزیع منابع اقتصادی (آب، زمین) در روستا و همچنین در نتیجه نابرابری شهر و روستا به وجود آمده است. در شرایطی که تعادل اقتصادی بین شهر و روستا برقرار باشد، روستا به تولید کالاهای کشاورزی می‌پردازد و مازاد تولید خود را در مقابل تولیدات شهری که مورد نیاز است در اختیار شهر می‌گذارد؛ در صورت وجود چنین تعادلی، تفاوت درآمد و قیمت کالاهای شهری زیاد نیست و خانواده روستایی نسبت به خانواده شهری در وضع نامتعادلی قرار نمی‌گیرد. هرچند چنین رابطه‌ای بین شهر و روستا محتمل است اما نابرابری درآمدی بین درآمد شهر و روستا بسیار زیاد است و نابرابری درآمد در چند دهه اخیر روبه افزایش بوده است. به همین نسبت نیز مهاجرت‌های روستا- شهری نیز رو به گسترش بوده است (Lahsayzadeh, 2009).

۴- عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهاجرت

ویژگی‌های اصلی مهاجران را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:



Source: (Todaro, 2004: 287)

- ویژگی‌های جمعیتی: اکثر مهاجران کشورهای در حال توسعه را جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر با گسترش امکانات آموزشی، مهاجرت زنان نیز رو به افزایش است و در برخی از کشورها سهم زنان بیشتر از مردان است.

^۱. Functionalism is a theory about the nature of mental states. According to functionalism, mental states are identified by what they do rather than by what they are made of.

^۲. Michael Paul Todaro is an American economist and a pioneer in the field of development economics. Todaro earned a PhD in economics from Yale University in 1968 for thesis titled The Urban Employment.

- ویژگی‌های آموزشی: بررسی‌های آماری رابطه همبستگی مستقیمی بین میزان تحصیلات و میل به مهاجرت را نشان داده است. به عبارت دیگر با فرض ثبات سایر شرایط، کسانی که از تحصیلات بالاتر برخوردار بوده‌اند، تمایل بیشتری برای مهاجرت از خود نشان داده‌اند.

- ویژگی‌های اقتصادی: طی سالیان درازی بیشترین درصد مهاجران را فقرا، افراد بی‌زمین و غیرماهری که اغلب از امکانات روستایی رایج نیز بی‌بهره بوده‌اند، تشکیل می‌دادند. اما امروزه با ظهور بخش صنعتی نوین و تثبیت شده در اکثر مناطق شهری کشورهای کمتر توسعه‌یافته، میزان دارایی مالی مهاجران از اهمیت بالایی برخوردار شده است چرا که افرادی که دارای منابع مالی بیشتری هستند، می‌توانند مدت بیشتری در جستجوی شغل با جاذبه در شهر سکونت کنند. به هر حال هر چند که مهاجران از طیف‌های مختلف تشکیل شده‌اند اما به نظر می‌رسد که همچنان اکثریت عظیمی از آنان تنها به این دلیل که ساکن روستا بوده‌اند، فقیرند. زیرا اکثر روستاییان فقیرند.

۵- علل مهاجرت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

مهاجرت امروزه برای کشورهای جهان سوم، به‌ویژه در بعد روستا به شهر مسئله آفرین و مشکل‌زا شده است. در واقع مهاجرتی که خود بر اثر بسیاری از عوامل به وجود می‌آید، علتی می‌شود تا به عدم تعادل بیشتر در سطح مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک کشور کمک کند. کشورهای جهان سوم قادر به ایجاد تعادل اشتغال و افزایش عرضه کار و تقاضای روز افزون نیروهای انسانی خواهان کار نیستند. جمعیتی که از مناطق روستایی به مناطق شهری سرازیر می‌شود در حقیقت به گسیختگی در هر دو منطقه جذب و دفع نیروی کار و تمرکز نامتناسب آن‌ها در شهرها از مهم‌ترین مسائل به وجود آمده توسط مهاجرت بی‌رویه است (Mashhadizadeh Dehaghani, 20087).

در واقع در کشورهای در حال توسعه، رشد جمعیت و وسعت یابی ابعاد خانواده‌های روستایی از عوامل مهم مهاجرت جوانان روستایی به شهرهاست. خانواده‌های روستایی به سبب کاهش میزان مرگ و میر کودکان، فرزندان بیشتری دارند و به دلیل محدود بودن میزان آب و خاک و روبرو شدن با اضافه جمعیت در روستاها، خانواده‌ها نمی‌توانند مخارج خود را تأمین کنند. امروزه در جهان سوم، مهاجرت، به‌ویژه از روستا به شهر، مسئله‌ای است در دسر آفرین. جمعیتی که از مناطق روستایی به مناطق شهری سرازیر می‌شود، در واقع به گسیختگی در هر دو منطقه جذب و دفع نیروی مهاجر دامن می‌زند. خالی شدن مناطق مهاجر فهرست از نیروی کار و تمرکز نامتناسب آن در شهرها، از مهم‌ترین پیامدهای مهاجرت افسار گسیخته است.

این روند زمینه مهاجرت به شهرهای بزرگ را فراهم می‌سازد، در این حالت با توجه به نیروی کار موجود در روستاها و عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، عده‌ای از جوانان روستایی ناگزیر به شهرها مهاجرت می‌کنند. در حالی که در کشورهای توسعه یافته کاهش میزان مرگ و میر کند شدن روند رشد جمعیت به همراه کاهش زاد و ولد سنتی باعث کاهش زاد و ولد در این طبقه شده است (Shokuie, 2009).

در کشورهای پیشرفته صنعتی، مکانیزه شدن کشاورزی و به تبع آن آزاد شدن نیروی کار در روستاها از یک سو و گسترش و توسعه قطب‌های صنعتی و خدمات در شهرها و افزایش نیاز به نیروی انسانی در این بخش‌ها، اساسی‌ترین عامل مهاجرت از روستا به شهر محسوب می‌شود. ولی در کشورهای در حال توسعه اغلب نابودی و

اضمحلال کشاورزی محلی و سنتی به همراه ویرانی اقتصاد روستاها در اثر یورش نابودکننده فرهنگ و اقتصاد سلطه‌گر و مصرفی از جمله بارزترین عوامل حرکت به طرف شهرها به حساب می‌آید (Hussein zadeh Dalir, 2008).

۶- علل مهاجرت در ایران

در ایران، با توجه به محدودیت اراضی قابل کشت و بالا بودن سطح باروری، جامعه روستایی با افزایش بار جمعیتی قابل ملاحظه‌ای روبرو است و باید خود را با آن تطبیق دهد، این تطبیق از دو جهت حائز اهمیت است یکی از لحاظ تولید مواد غذایی برای جمعیت کشور و یکی از لحاظ به وجود آوردن شغل برای جمعیتی که به‌طور روز افزون وارد بازار کار می‌شوند (Lahsayzadeh, 2009).

در واقع مهاجرت‌های داخلی ایران نتیجه توزیع نابرابر جمعیت در رابطه با امکانات طبیعی، عدم توزیع متناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های ملی و در بهره‌برداری از امکانات طبیعی است. فرایند این سه عامل باعث گردیده است که اجباراً بعضی از مناطق جغرافیایی نیروی کار اضافی بالفعل خود را به مناطق دیگری که تقاضا به نیروی اضافی وجود داشته است انتقال دهد. این انتقاد و جابجایی جمعیتی بدون برنامه بوده و نه تنها نیروهای تولیدی را در سرزمین‌های مهاجر فرست تقلیل داد و منتهی به پائین آمدن تولیدات در آن مناطق شده است، بلکه بدون توجه به نیازمندی‌های کمی و کیفی مناطق مهاجرپذیر، جمعیت در حال تحرک مزبور تخلیه شده و بر هم خوردن ساختار شغلی، بافت جمعیتی و مالی فعال فعالیت‌های کم بهره را نیز به وجود آورده است (Javan, 2008). در واقع مهاجرت‌های صورت گرفته است که مهم‌ترین دلیل آن افزایش جمعیت کشور از یکسو و بسط روابط سرمایه‌داری در شهر و سپس در روستا از سوی دیگر است.

لذا می‌توان گفت مهاجرت به شهرها در ایران اجتناب‌پذیر است و بنا بر میراث توسعه فضایی دوگانه، تفاوت‌های طبیعی و تنگناهای زیست محیطی و نیز چشم‌انداز تشدید آن در اثر جهانی شدن اقتصاد چنین استنتاج می‌شود که جریان‌های مهاجرتی کنونی کشور، حداقل برای مدّت مدیدی ادامه خواهد داشت. در مجموع باید گفت که شرایط اجتماعی، فرهنگی و تحولات اقتصادی و سیاسی مملکت به ویژه در نیم قرن اخیر موجب به هم ریختن نظام سلسله مراتبی تولید از مزارع و روستاها و عرضه آن‌ها در نقاط شهری شده است، به طوری که توجه شدید به امکانات شهرهای بزرگ و متمرکز و بی‌اعتنایی به مراکز روستانشین کشور، موجب ایجاد فاصله و شکاف عمیق اقتصادی بین زندگی شهرنشینی و روستانشینی شده و سرانجام مهاجرت‌های بی‌رویه ناشی از فشار جمعیتی که جویای کار و خواهان خدمات و رفاه است، نابسامانی و عقب‌ماندگی را به بافت اقتصادی ناسالم و وابسته‌ای که با سیل مهاجرت روبه‌رو شده است تحمیل می‌کند: از یک سو روستاها بسیاری از نیروهای تولیدی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر شهرها توان جذب هزاران انسان جویای کار را ندارند. این روند به پیدایش بیکاری پنهان، اشتغال کاذب و بیکاری آشکار در روستاها و شهرها انجامیده است.

مسلماً عدم اجرای برنامه‌های توسعه و عمران روستایی که می‌بایست زودتر به موقع اجرا گذاشته می‌شد، خود در این بی‌تعدالی و پاشیدگی زندگی روستایی نقش اساسی داشته است. اتخاذ و اعلام سیاست‌هایی مانند تأمین مسکن برای محرومین و هجوم روستاییان به امید دریافت چنین مزایای در شهر و نبود سیاست‌های مشخص در بخش‌های

اقتصادی مانند کشاورزی، از دیگر عواملی است که باعث مهاجرت روستاییان به شهرها و تمرکزگرایی در شهرهای بزرگ گردید. در حقیقت مهاجرت بی‌رویه، نتیجه دور تسلسلی از اجرای سیاست‌های غلط است که در بسیاری از موارد اتخاذ این سیاست‌های غلط نیز خود ناشی از وجود مهاجرین در یک منطقه و کاهش جمعیت در منطقه دیگر است (Mashhadizadeh Dehaghani, 2008).

۷- آثار و پیامدهای مهاجرت و شهرنشینی

مهم‌ترین مزیت مهاجرت روستاییان به شهرها در کشورهای در حال توسعه عرضه نیروی کار ارزان برای بنگاه‌های تولیدی و خدماتی شهرهاست. به برکت این نیرو کار ارزان، صاحبان این بنگاه‌ها (چه دولتی و چه خصوصی) به ارزش افزوده کلانی دست می‌یابند و به مدد دستیابی به این ارزش افزوده، انباشت سرمایه در کانون‌های شهری دوام و قوام بیشتری می‌یابد. بنگاه‌های تولیدی و خدماتی نیز در درون و حاشیه شهرها به برکت انباشت روز افزون سرمایه، توسعه بیشتری پیدا می‌کنند، توسعه بیشتر این بنگاه‌ها به این مفهوم است که باز هم نیروی کار ارزان بیشتری از روستاها جذب می‌شود و مجدداً در اثر باز تولید گسترده، انباشت بیشتری نصیب صاحبان این بنگاه‌ها می‌شود. همچنین افزایش جمعیت شهرها در اثر مهاجرت روستاییان و تمرکز جمعیت آن‌ها در درون و حاشیه شهرها به افزایش تقاضا و گسترش بازار متمرکز نیز کمک می‌کند که این نیز خود به گسترش بنگاه‌های تولیدی و خدماتی می‌انجامد. مزیت دیگر مهاجرت روستا به شهرها را باید در منافع عام‌تر از منظر منافع محدود شهری دید. در واقع این منافع، منفعی است ملی که در تمرکز بیشتر جمعیت در شهرها دست یافتنی است. روستاییان مهاجر در درون کوره تمدن شهری به درکی بالاتر از حقوق شهروندی و دنیای متحول دست می‌یابند که در چارچوب زندگی منفعل روستایی دست نیافتنی است یا به کندی تحقق می‌پذیرد؛ به عبارت دیگر در تجمع تمرکز جمعیت پراکنده روستایی (از نظر جغرافیایی) در کانون‌های معین شهری، امکان دسترسی به خدمات در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی را آسان‌تر می‌سازد.

در واقع مهاجران روستایی با توزیع مجدد جمعیت، اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که گاهی این توزیع مجدد جمعیت به نفع کشور و زمانی نیز به زیان آن پایان می‌گیرد و در صورت مهارت داشتن مهاجران، این روند به نفع جامعه شهری است در غیر این صورت شهر به دلیل سطح نازل مهارت‌ها و تحصیلات مهاجران، به شکل‌های مختلف تحت فشار قرار می‌گیرد. شهر مهاجران روستایی را می‌پذیرد و به سبب نیاز، آن‌ها را در شغل‌های غیر حرفه‌ای به کار می‌گیرد. آموزش مهاجران در شغل‌های غیرحرفه‌ای هیچ‌گونه هزینه‌ای برای شهر ندارد و با وجود این، شتاب مهاجرت‌های روستایی به شهرها، باعث توسعه شهری به صورت نسنجیده و ناموزون می‌شود و نیاز به خدمات شهری افزایش می‌یابد (Shoukuie, 2009).

۸- توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشینی

مهم‌ترین اثر مهاجرت، توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین است. جمعیت شهرهای بیش از ۲۰۰۰۰ نفر در کشورهای در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی سالانه ۴/۶ درصد رشد کرده در حالی که در این کشورها، مناطق روستایی سالانه ۱/۸ درصد رشد داشته‌اند. همچنین جمعیت شهرهای کشورهای در حال توسعه بین

سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ میلادی حدود ۲/۵ برابر جمعیت شهرهای کشورهای توسعه یافته افزایش داشته است (Findley, 2009: 8). افزایش جمعیت شهرنشین و توسعه شهرنشینی بدون برنامه خود پیامدهای منفی بسیار زیادی را از جمله پیدایش و رشد حاشیه نشینی نیز به دنبال خواهد داشت. به این ترتیب مهاجرت روستاییان باعث جوانی جمعیت‌های حاشیه شهری می‌شود، زیرا گروه‌های مهاجر از اکثریت جوان تشکیل می‌شود، هنگامی که عزیمت‌ها زیاد می‌شود هرم سنی مهاجران از گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ تشکیل می‌شود. تأثیر ثانوی این مهاجرت جوان، قابل ملاحظه است زیرا کودکانشان در محل جدیدی به دنیا خواهند آمد که غالباً مسکن جمعی یا منزلی در خارج شهر است، حاشیه‌نشینی‌ها ساختار جمعیتی بی‌سابقه‌ای پیدا می‌کنند، در حاشیه‌های شهری شمار نوجوانان و جوانان زیاد است و افراد پیر تقریباً وجود ندارد (Pitie, 1369).

عملاً آنچه که اول از همه در پی ورود مهاجرین سرزده و تازه وارد به شهرهای بزرگ کشور پیش آمده و می‌آید، افزایش جمعیت آنهاست. از یک طرف با ساکن شدن مهاجرین در شهر بر شمار ساکنین شهر افزوده گشته و از طرف دیگر میزان باروری بالای زنان روستایی در افزایش میزان رشد شهر تأثیر می‌گذارد. تازه مهاجرین مرد مجرد نیز که اکثراً در سنین جوانی هستند به عنوان یک نیروی مولد نسل در این افزایش شرکت دارند (Mashhadizadeh, 2008).

۹- مهاجرت معکوس و توسعه جوامع روستایی در ایران

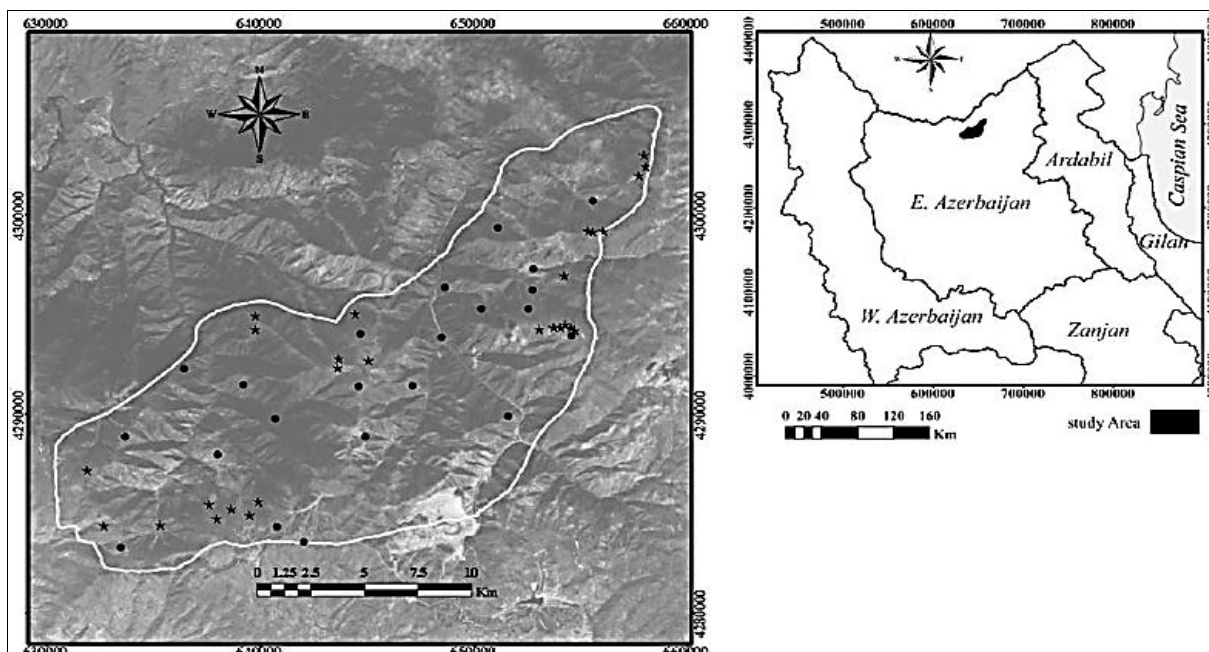
جوامع روستایی به جوامع کوچکی اطلاق می‌شود که در آن گروهی از انسان‌ها دارای نحوه زندگی مشابه، زبان، آداب و رسوم و مقتضیات اجتماعی مشترکی در کنار هم زندگی کنند. روابط موجود بین اعضای جامعه روستایی بسیار نیرومند است و با الگوهای رفتاری سنتی مشخص گردیده است. روستاها معمولاً در نقاطی پدید می‌آیند که منابع طبیعی، امکانات زندگی با اسکان ثابت را برای انسان‌ها فراهم آورده باشند. زمین و آب دو عامل مهم در این زمینه هستند که به خصوص در جوامع آسیایی نقش آب اساسی‌تر بوده است. محدودیت آب زراعی و عدم امکان تحرک طولانی در طول فصل کار، حد خاصی از جمعیت را به هر روستا تحمیل می‌کند. علاوه بر آنها، پایین بودن سطح تکنیک و نوع نظام مالک و رعیتی و تقسیم کار، الگوی خاصی از زندگی و فعالیت را در روستاها شکل بخشیده است که نه تنها مردم یک روستا، بلکه ساکنین روستاهای مختلف را از تشابهات زیادی برخوردار ساخته است (Taleb, 2008). در روستا تحرک مکانی، شغلی و طبقه‌ای کم است، حریم زندگی خصوصی وجود نداشته و مهم‌تر از همه این که در روستاها، نهادهای اجتماعی از هم تفکیک نشده‌اند و بیشتر نهاد خانواده است که وظایف سایر نهادهای مدنی را توأمان انجام می‌دهد. تعدد و تکرر تعاملات در شهرها بسیار بیشتر از روستاهاست و این تفاوت کمی منجر به تحول کیفی‌ای می‌شود که در نتیجه آن در روستاها با پیدایش و گسترش سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی مواجه نیستیم و به جای آنها، کانون‌های خودجوش مردمی که ریشه در بافت عشیره‌ای و عاطفی روستاها دارند، جایگزین‌شان به شمار می‌روند.

۱۰- مهاجرت‌های معکوس در ایران

افزایش هزینه‌های زندگی در شهر و رشد قیمت خانه در مناطق حاشیه‌ای سبب شده تا مهاجرت معکوس در برخی مناطق شهری ایران شکل بگیرد. بر اساس اعلام قائم مقام وزارت راه و شهرسازی در سال ۱۳۹۰، ۸۰۰ منطقه حاشیه‌ای در ایران شناسایی شده است. برآوردها نشان می‌دهد قیمت ملک در این نقاط نیز روند صعودی داشته است. بیش از ۱۸ میلیون نفر از جمعیت ۲۱ میلیون نفری روستاییان کشور از راه آسفالت برخوردار شده‌اند. سیاست‌های اصلی دولت این است که در تمام روستاهای با جمعیت نزدیک به ۱۰۰ نفر یعنی بیش از ۲۰ خانوار، راه آسفالت کشیده می‌شود. توسعه راه روستایی به توسعه اقتصاد کشور کمک می‌کند. فعالیت‌های کشاورزی به راه نیاز دارد و در صورت گسترش راه‌ها هزینه‌های حمل و نقل کاهش می‌یابد. از سوی دیگر هزینه‌های بالای زندگی در مناطق شهری دشواری را به جمعیت مهاجر روستایی تحمیل می‌کند. با توسعه راه‌های کشور زمینه‌های ایجاد شده تا حتی در صورت اشتغال فرد روستایی در شهرها، او بازهم به روستای خود بازگردد. به این ترتیب در روستاهای نزدیک به مناطق شهری می‌توانند در شهر کار کنند و در روستا زندگی کنند. میزان توسعه راه‌ها در مناطق روستایی طی سال‌های گذشته افزایش چشمگیری داشته است. خط فقر یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومانی در مناطق شهری کشور منجر به مهاجرت معکوس شده است (Center for Statistics, 2012).

۱۱- روستاهای شمال استان اردبیل

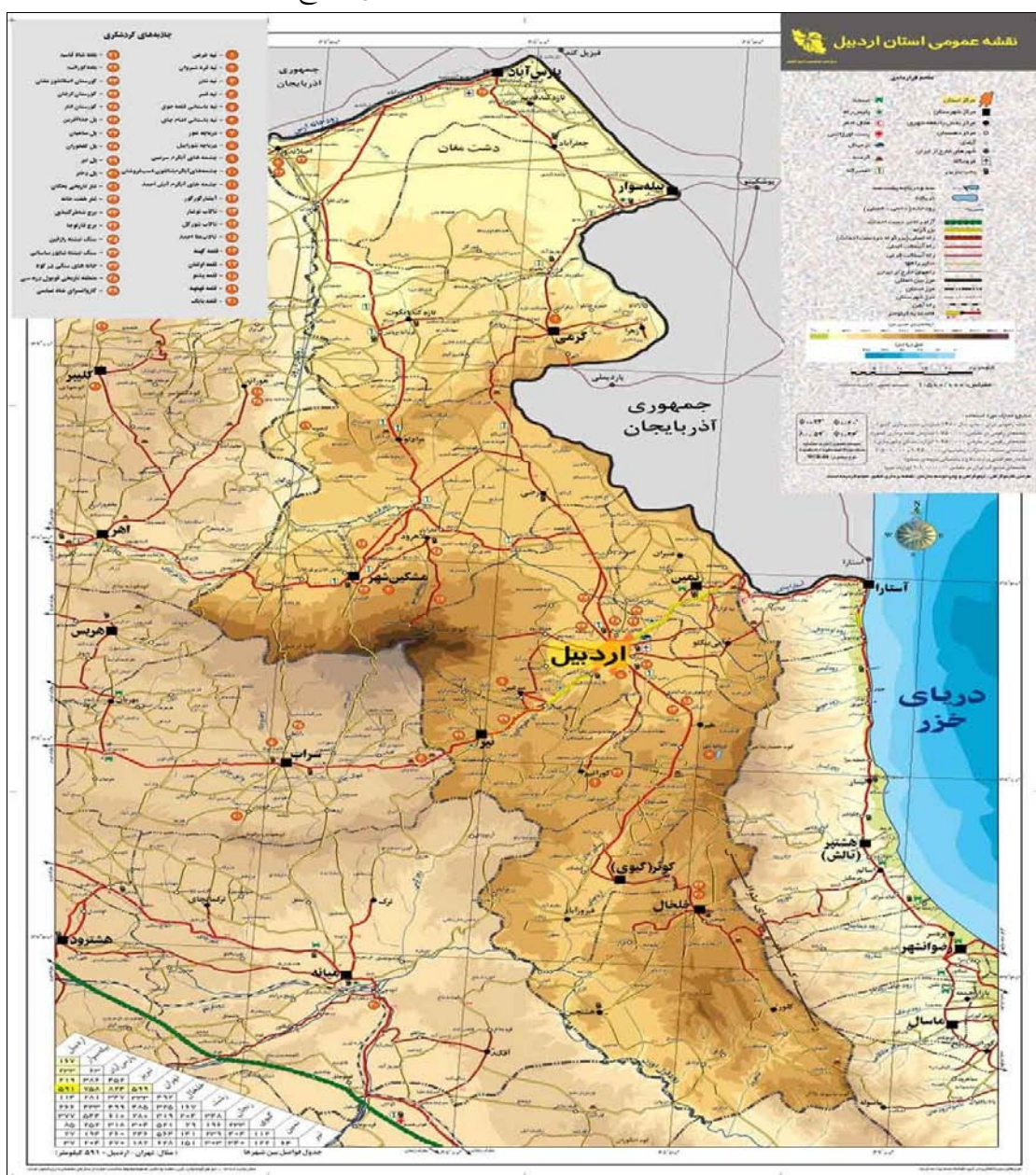
محدوده مورد مطالعه ما در این مقاله روستاهای شهرستان‌های پارس‌آباد، بيله سوار و گرمی (مغان) واقع در شمال استان اردبیل مورد است. گرمی (مغان) از شهرهای قدیمی استان اردبیل و مرکز شهرستان مغان است. شهرستان مغان تا چند سال پیش (اوایل دهه هفتاد) شامل شهرستان‌های کنونی گرمی، پارس‌آباد و بيله سوار بود که با تغییرات تقسیمات سیاسی و استان شدن اردبیل از اوایل دهه ۷۰ به صورت سه شهرستان جداگانه درآمده است.



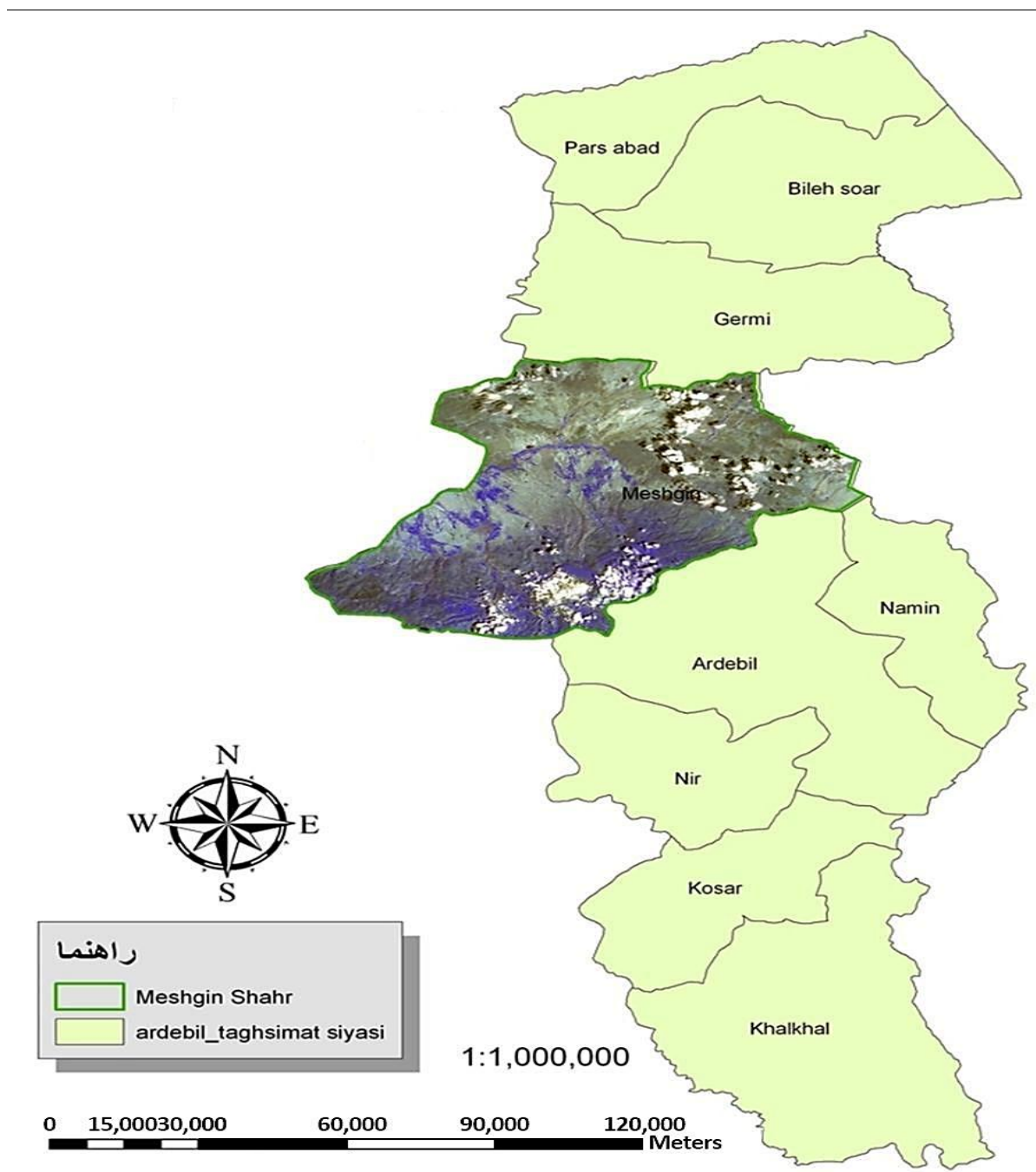
شکل ۱: محل جغرافیایی اردبیل

Source: www.researchgate.net785 × 449Search by image

گرمی در حدود ۱۰۰ کیلومتری شهر اردبیل مرکز استان قرار دارد. کالبد شهر گرمی را می‌توان به دو قسمت هموار و کوهستانی تقسیم کرد. بیله‌سوار یکی از شهرهای مرزی جمهوری اسلامی ایران است که در بین شهرستان‌های پارس‌آباد و مغان و مرکز شهرستان، شهر بیله‌سوار در شمال استان اردبیل واقع شده است. از آثار به جا مانده از قدیم، چنین برمی‌آید که نام قدیمی بیله‌سوار، در دوره حکومت آل‌بان‌ها بیله بوده است؛ که با اسکان ترکان سواری به بیله‌سوار تغییر نام داده است؛ و پارس‌آباد یکی از شهرهای استان اردبیل در شمال غربی ایران است. این شهر بزرگ‌ترین شهر منطقه مغان و نیز مرکز شهرستان پارس‌آباد است؛ که بر اساس سرشماری مرکز آمار در آبان ماه ۱۳۹۰ از مجموع ۱۶۹۶ آبادی‌های دارای سکنه در استان، ۸۱۴ آبادی در محدوده مورد مطالعه به ترتیب در شهرستان پارس‌آباد ۲۴۷ آبادی، ۲۵۲ آبادی در بیله‌سوار و ۳۱۵ آبادی در مغان (گرمی) واقع شده‌اند.



شکل ۲: نقشه استان اردبیل
Source: www.anobanini.ir



شکل ۳. منطقه مورد مطالعه

Source: hosseinabedi.aminus3.com

۱۲- فرضیه‌های تحقیق

پس از بررسی ادبیات پژوهش و مطالعات انجام شده و شناسایی عوامل دخیل در پدیده مهاجرت معکوس، عوامل مربوط به باز ساخت اجتماعی و فرهنگی، باز ساخت اقتصادی، باز ساخت فضایی- کالبدی و سیاست‌گذاری راهبردی دولت به عنوان مهم‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار در مهاجرت معکوس در پژوهش حاضر در نظر گرفته شد؛ بنابراین فرضیات پژوهش به صورت زیر است:

- بین مهاجرت معکوس و باز ساخت اجتماعی و فرهنگی در روستاهای مورد مطالعه رابطه وجود دارد.

- بین مهاجرت معکوس و باز ساخت اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه رابطه وجود دارد.
- مهاجرت معکوس بر باز ساخت فضایی - کالبدی روستاهای مورد مطالعه تأثیر دارد.
- بین مهاجرت معکوس و سیاست‌گذاری راهبردی دولت در روستاهای مورد مطالعه رابطه ارتباط وجود دارد.

۱۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی بوده و اساس مطالعه نیز پژوهش میدانی مبتنی بر نظرات فرمانداران، بخشداران، مدیران و کارشناسان بنیاد مسکن، دهیاران و شوراهای روستاهای هدف و موردی افراد ساکن در روستاهای شهرستان‌های مورد مطالعه (پارس‌آباد، بيله سوار و مغان) در شمال استان اردبیل است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی سهمیه‌ای استفاده شده است بدین صورت که از هر بخش شهرستان، سه روستا (یک روستای بالای ۱۰۰۰ نفر، یک روستا بین ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر و یک روستا زیر ۵۰۰ نفر) بصورت نمونه تصادفی سهمیه‌ای انتخاب که مجموعاً ۲۷ آبادی را در محدوده مورد مطالعه شامل شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه که یکی از ابزارهای رایج تحقیق است و روش مستقیم برای جمع‌آوری داده‌ها تحقیق به شمار می‌رود، استفاده شده است.

۱۴- تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. در بخش استنباطی از روش ضریب همبستگی پیرسون به منظور آزمون فرضیات تحقیق استفاده شده است.

۱۵- یافته‌های توصیفی

۱۵-۱- تبیین نقش مهاجرت‌های معکوس در بازساخت روستاها

بر اساس بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در خصوص مهاجرت‌های معکوس در روستاهای مورد مطالعه، تعداد ۱۸۷ خانوار به شکل مهاجرت معکوس به ۲۷ روستا در حوزه مورد مطالعه وارد شده‌اند؛ که در اینجا نتایج مهاجرت‌های معکوس و اثرات آن‌ها بر بازساخت روستاها و برعکس به صورت مطالعه میدانی بیان شده است. با بررسی و ارزیابی مهاجرت‌های معکوس در ناحیه مورد مطالعه، به این نتیجه می‌رسیم که در این ناحیه بخصوص در قسمت شمالی آن با وجود مشکل حقوقی مهاجرت به روستاهای قشلاقی در داخل محدوده کشت و صنعت و دام‌پروری مغان و پارس اما در سال‌های اخیر به خصوص با توافقی که روستائیان با شرکت‌های مذکور داشته‌اند اقدام به مهاجرت به روستاهای دیگر ناحیه نموده‌اند به نحوی که حجم این مهاجرت‌ها در مقایسه با دهه ۱۳۷۰ بیشتر گردیده است. همچنین با مطالعه روستاهای ناحیه به لحاظ توانمندی زمین‌های کشاورزی از لحاظ کاشت، داشت و برداشت، تنوع کشت در طول فصول و رونق گرفتن باغداری در کنار دام‌پروری و توان بازده مالی بیشتر آن‌ها شاهدیم که مهاجرت‌های فوق با امکان وجود واگذاری زمین‌های زراعی از سوی شرکت‌های کشت و صنعت منطقه در کنار دام‌پروری بر توان مالی خانوارهای روستایی افزوده است.

جدول ۱: تعداد مهاجرت معکوس در منطقه مورد مطالعه

نتیجه	si g	X ²	گروه	فرضیه
قبول فرض	۰/۰	۴۵/۷	بین مهاجرت معکوس و بازساخت اجتماعی و فرهنگی روستاها رابطه وجود دارد.	فرضیه اول
قبول فرض	۰/۰	۳۴/۹	بین مهاجرت معکوس و باز ساخت اقتصادی روستاها ارتباط وجود دارد.	فرضیه دوم
قبول فرض	۰/۰	۴۶/۴	بین مهاجرت معکوس و باز ساخت فضایی- کالبدی روستاها ارتباط وجود دارد.	فرضیه سوم
قبول فرض	۰/۰	۹۸/۱۱	بین مهاجرت معکوس و بازساخت سیاست‌گذاری راهبردی دولت در روستاها ارتباط وجود دارد.	فرضیه چهارم

Source: Research findings

۱۵-۲- یافته‌های تحلیلی و استنباطی و آزمون فرضیات

در این بخش یافته‌های تحقیق بر اساس فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و هدف از این کار استنباط و آزمون فرضیات و نتیجه‌گیری است. همان‌طوری که ذکر شد برای آزمون فرضیات از آزمون همبستگی کای دو استفاده می‌شود و نتایج این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون فرضیه‌ها

ردیف	نام روستا	مجموع مهاجران	درون ناحیه	درون استان	خارج از استان
۱	ایران آباد	۱۹	۱۵	۳	۱
۲	پربواتلو	۸	۳	۵	۰
۳	محمودآباد طالقانی	۳۷	۳۴	۲	۱
۴	حلاج آباد	۱۸	۱۴	۳	۱
۵	اوزون قویی ۱	۷	۵	۲	۰
۶	اسلام‌آباد جدید	۲۲	۱۹	۳	۰
۷	توپراق کندی	۱۵	۹	۴	۲
۸	عمران آباد	۱۲	۱۰	۲	۰
۹	بابک	۲۱	۱۴	۵	۲
۱۰	روح کندی	۴	۳	۱	۰
۱۱	زیوه	۹	۱	۳	۵
۱۲	سایر روستاها	۱۶	۱۴	۱	۱

Source: Research findings

آزمون فرض اول: با توجه به جدول فوق همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار آزمون محاسبه شده معنادار است؛ یعنی مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه مخالف رد می‌شود و فرض آماری با اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه را به جامعه تعمیم داد یعنی اینکه مهاجرت معکوس بر بازساخت اجتماعی و فرهنگی روستاها تأثیر دارد.

آزمون فرض دوم: با توجه به جدول فوق همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار آزمون محاسبه شده معنادار است؛ یعنی مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه مخالف رد می‌شود و فرض آماری با اطمینان ۹۵٪

پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه را به جامعه تعمیم داد یعنی اینکه مهاجرت معکوس بر بازساخت اقتصادی روستاها تأثیر دارد.

آزمون فرض سوم: با توجه به جدول فوق همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار آزمون محاسبه شده معنادار است؛ یعنی مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه مخالف رد می‌شود و فرض آماری با اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه را به جامعه تعمیم داد یعنی اینکه مهاجرت معکوس بر بازساخت فضایی - کالبدی روستاها تأثیر دارد.

آزمون فرض چهارم: با توجه به جدول فوق همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار آزمون محاسبه شده معنادار است؛ یعنی مقدار معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه مخالف رد می‌شود و فرض آماری با اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه را به جامعه تعمیم داد یعنی اینکه مهاجرت معکوس بر بازساخت سیاست‌گذاری و راهبردی روستاها تأثیر دارد.

۱۵-۳- مؤثرترین عامل مهاجرت معکوس

با توجه به نتایج به دست آمده به منظور اینکه بین خود پارامترهای مؤثر بر مهاجرت معکوس نیز مقایسه‌ای صورت گیرد تا بتوان اثرگذارترین عامل را کشف کرد، میانگین امتیاز سؤالات هر فرضیه محاسبه شد. جدول و نمودار زیر نتیجه این تحلیل آماری را نشان می‌دهد:

جدول ۳: نتایج آماری حاصل از عوامل ناثر گذار بر مهاجرت معکوس

عامل تأثیرگذار	بازساخت سیاست‌گذاری راهبردی دولت	بازساخت فضایی کالبدی	بازساخت اقتصادی	بازساخت اجتماعی و فرهنگی
میانگین جمع امتیاز سؤالات	۳.۴۲	۳.۳۲	۳.۸۸	۳.۲۱

Source: Research findings

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با توجه به اعداد به دست آمده بازساخت اقتصادی با جمع امتیاز ۳.۸۸ بیشترین اهمیت را در بین پارامترهای در نظر گرفته شده در متغیرهای وابسته دارا است. همچنین این جدول مؤید این نتیجه است که درآمد (وضعیت توان اقتصادی) خانوارها مهم‌ترین عامل مؤثر بر مهاجرت در روستاهای این ناحیه هم بوده است.

- نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مهاجرت معکوس در ناحیه مورد مطالعه تأثیر نسبتاً ملموسی بر بازساخت روستاهای شمال استان اردبیل داشته است. این مهاجرت‌ها باعث رشد فعالیت‌های اقتصادی در زمینه مشاغل بومی با هدف بهبود روشهای آن و استفاده از تکنولوژی جدید در روستاهای شمال استان شده و همچنین کارآفرینی (انجام فعالیت‌های اقتصادی که در روستا به آن توجهی نشده و یا با آن آشنایی نداشته‌اند) در اثر این مهاجرت‌های معکوس رشد یافته است. علاوه بر این مهاجرت‌ها باعث افزایش استفاده از فنون جدید کشت و کار و...، ارتقا آگاهی و دانش روستاییان در زمینه ارتباطات و الکترونیک مثل اینترنت، خدمات بانکی و..، خدمت به روستاییان در امور مالی (مثل قرض دادن پول، ضمانت وام و...)، کمک به سازندگی روستا در اموری چون ساختن درمانگاه، پل، جاده، علاقه مند به آبادانی

روستا، توجه و علاقه به حفظ محیط زیست، ارتقا آگاهی روستاییان در مسائل دینی، ارتقا دانش سیاسی روستاییان، خدمت رسانی در امور اجتماعی (شوری، همکاری و...)، توجه به بهداشت و سلامت روستاییان (تغذیه، پیشگیری از بیماری و...) شده است.

نتایج حاصل از مطالعات تجربی نشانگر سرمایه‌گذاری غیر بهینه، ناکارآمدی ترکیب نهاده‌های تولیدی و وجود رابطه منفی معنی‌داری میان سرمایه سرانه و بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی است؛ به عبارت دیگر کیفیت سرمایه‌گذاری نامناسب بوده و با اجرای بسیاری از پروژه‌های عمرانی، محصولات کشاورزی، منطبق با انتظارات رشد نکرده است.

بر اساس نتایج این تحقیق، سرمایه‌گذاری‌های دولتی نقش مثبتی در رشد تولید محصولات کشاورزی داشته، ولی ارتباط متقابل میان عواملی چون درآمد اندک کشاورزان، ناکارآمد بودن نظام ترویج شیوه‌های مدرن کشاورزی، کمبود تأسیسات زیربنایی، بهره‌برداران کم‌سواد که با مالکیت اراضی کوچک فاقد توان لازم برای سرمایه‌گذاری هستند، استفاده نامناسب از آب و خاک و تخریب زیست محیطی ناشی از استفاده نامناسب از منابع و عدم مشارکت مردم روستایی در طراحی، اجرا و نظارت بر برنامه‌های عمرانی دور باطلی را ایجاد کرده که مانع از رونق بخش کشاورزی و توسعه روستایی شده است. روستاهای ایران، به ویژه در مناطق دور افتاده، به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت دولتی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، هنوز با کمبودهای جدی در سیستم تأمین آب آشامیدنی، برق، جاده‌ها، زهکشی و تسطیح زمین‌های زراعی، بهداشت محیط، مدارس و مراکز درمانی مواجه هستند.

به نظرمی رسد با توجه مطالعات میدانی این تحقیق، نتایج حاصل از اجرای برنامه‌های عمرانی بسیار کمتر از انتظارات مردم و برنامه‌ریزان بوده است. پروژه‌های عمرانی که بدون مشارکت مردم، با هزینه‌های بالا و بازده پایین اجرا می‌شوند، به تخصیص غیر بهینه منابع منجر شده‌اند. برنامه‌ریزی از بالا به پایین و عدم نظارت روستاییان بر طرح‌های عمرانی سبب بروز فساد در فرایند اجرای پروژه‌ها و کیفیت پایین و سوء مدیریت در حفظ و نگهداری زیرساخت‌ها شده است. این اصل باید مدنظر برنامه‌ریزان قرار گیرد که هیچ پروژه‌ای را نمی‌توان بدون مشارکت مردم ذینفع، به صورت بهینه اجرا کرد.

ساکنین روستاها خود عامل اصلی توسعه روستایی هستند، به همین جهت پروژه‌های عمرانی باید با مشارکت سازمان‌های مردم نهاد مانند شوراهای روستایی طراحی شوند تا نیازهای واقعی مردم را برآورده سازند و مردم را به حضور فعال در فرایند اجرا و نظارت ترغیب کنند. با اجرای مشارکتی طرح‌های عمرانی، مردم در حفظ و نگهداری تجهیزات و زیرساخت‌های تعبیه شده دقت و حساسیت بیشتری خواهند داشت. به علاوه، مشارکت نهادهای غیردولتی متشکل از روستاییان در طراحی سیاست‌های مربوط به تغییر تعرفه و حضور فعال این تشکل‌ها در اجرا و نظارت بر برنامه‌های اعطای یارانه و تخصیص وام، در موفقیت سیاست‌های دولت در جهت رشد بخش کشاورزی و توسعه روستایی تأثیر شایانی خواهد داشت.

حال که کشور در اجرای برنامه پنجم بعد از انقلاب است جا دارد که مسئولان امر توجه واقعی به روستاها داشته باشند و اشتباهات برنامه‌های گذشته را تکرار نکنند و تلاش کنند تا شرایط زندگی متعالی را در روستاها فراهم نمایند. لذا انتظار می‌رود تا مسئولین بیش از پیش درصدد آبادانی روستاها بر بیایند و راه را برای بازگشت مردم به

روستاها هموار سازند و نتایج این تحقیق هم نشان داد که در روستاهای شمال اردبیل مهاجرت معکوس بر باز ساخت اجتماعی و فرهنگی، باز ساخت اقتصادی، باز ساخت فضایی - کالبدی و باز ساخت سیاست‌گذاری و راهبردی تأثیر دارد.

- پیشنهادها

- ۱- با توجه به نتایج حاصله در این پژوهش مشاهده می‌شود که برای دستیابی به اطلاعات و نتایج دقیق‌تر نیاز به این است که سؤال‌های این پژوهش در میدان‌های گسترده‌تر و در حجم نمونه بیشتر مورد جستجو و کاوش قرار بگیرد تا بتوان به نتایج دقیق‌تری دست یافته و به همگونی بالاتری در نتایج حاصله دست یافت.
 - ۲- پیشنهاد می‌شود هرکدام از فرضیات فوق در روستاهای دیگر مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان به زیرساختار اطلاعات مناسب دست یافت. شکی نیست که با افزایش حجم نمونه میزان دقت تحقیق بالاتر رفته و نتایج شفاف‌تری حاصل خواهد شد.
 - ۳- پیشنهاد می‌شود در زمینه مهاجرت معکوس، علل و تأثیرات آن در مطالعات دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد.
 - ۴- به دلیل اهمیت مسئله مهاجرت معکوس پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده این موضوع با متغیرهای روان‌شناختی مربوط به خود مردم از جمله تحصیل، تخصص و متغیرهایی از این قبیل مورد بررسی قرار گیرد.
 - ۵- با توجه به اهمیت موضوع توصیه می‌شود که در پژوهش‌های آینده فضاهای ارتباطی روستا با شهرهای مرکز نیز در رابطه با تأثیر آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.
 - ۶- پیشنهاد می‌شود با توجه به مبانی نظری تحقیق، متغیرهای تعدیل‌کننده مناسبی چون دوره‌های سنی متمایز مدیران مرتبط (حداقل فرمانداران، بخشداران، کارشناسان بنیاد مسکن، دهیاران، شوراهای اسلامی روستاها)، افراد جامعه آماری هدف، میزان تحصیلات و... مورد مقایسه قرار گیرد.
- همچنین با توجه به محتویات استراتژی صنعتی شدن و نظر به قابلیت‌های مهاجرت معکوس در خصوص گسترش و استقرار موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:
- تأمین زیرساخت‌ها با شرایط و قیمت مناسب برای توسعه دستگاه‌ها
 - ایجاد مناطق ویژه با دو دیدگاه تأمین نیازهای داخلی و توسعه
 - حمایت ویژه از توسعه و تجهیز روستاها
 - جذب نیروهای متخصص
- افزون بر این پیشنهاد می‌شود که تحقیقاتی در زمینه دستیابی به مدل‌هایی جهت ارزیابی میزان هم‌سویی اسناد بخشی با اسناد فرادستی انجام شود تا انحرافات احتمالی شناسایی شده و راه‌کارهایی جهت اصلاح ارائه شود.
- ایجاد تعادل اقتصادی مناسب بین شهرها و روستاهای ناحیه
 - ایجاد فرصت‌های شغلی مولد در نواحی روستایی
 - افزایش درآمد روستاییان و برقراری توازن میان درآمد‌های شهری و روستایی
 - ایجاد توازن بین فرصت‌های اشتغال پیشنهادی در شهر و روستا
 - تأمین سرمایه مورد نیاز جهت رونق بخشیدن به توسعه صنعتی نواحی روستایی و ترغیب سرمایه‌گذاران

بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در روستاها

- جلوگیری از تمرکز سرمایه‌گذاری در مرکز استان که باعث قطبی شدن و عدم تعادل ناحیه‌ای می‌شود.

- تقویت شهرهای کوچک در مراکز روستایی

- بهبود سیستم مدیریتی شوراهای اسلامی شهر و روستا و کاهش نگرش تمرکزگرای حاکم

- تشکیل ستاد ویژه توانمندسازی روستاهای استان

- توزیع مجدد جمعیت بین روستاها به منظور جلوگیری از توسعه یا متروک شدن روستاها.

پیشنهادهای پژوهشی از جمله پیشنهادهایی که برای متحول کردن برنامه‌های توسعه و عمران روستاها می‌توان ارائه داد عبارت است از:

۱- انجام و اجرای پژوهش به تفکیک مناسب‌تر مناطق در سطح وسیع‌تر کشور.

۲- اجرای پژوهش کیفی جهت پی بردن به نواقص و ارائه راهبردهای مناسب.

۳- انجام مطالعه تطبیقی وسیع در مراکز کشورهای پیشرفته جهان.

۴- اهمیت دادن به بازساخت اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه با عنایت به تأثیرات مهاجرت معکوس.

۵- همچنین در اجرای برنامه‌ها به جای این‌که بیشتر به بعد فیزیکی روستاها توجه شود باید به بعد اقتصادی

روستا توجه بیشتری شود و سعی شود تا اقتصاد روستاها متنوع و متحول شود تا این‌که روستاییان رغبت

بیشتری برای زندگی در روستا داشته باشند.

۶- امید می‌رود تا در برنامه‌های آینده توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور، روستا و روستایی به جایگاه

واقعی خود برسند و همه مسئولان با مشارکت مردم برای خارج کردن روستاها از بن‌بست و انزوا و هر چه

فعال‌تر کردن آن‌ها در جریان اقتصاد کشور نهایت تلاش خود را بنمایند.

۷- به عنوان اولین اقدام، اصلاح نظام برنامه‌ریزی روستایی از اولین ضروریات است. در این راستا باید در سطح

محلی همانند سطوح ملی و منطقه‌ای تهیه و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله را داشته باشیم.

۸- تصحیح رابطه بین سطوح برنامه‌ریزی و برقراری «روند تصمیم‌گیری پایین به بالا و بالا به پایین» در نظام

تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور چرا که مشارکت روستاییان، دولت و سازمان‌های غیردولتی را در

اجرای موفقیت برنامه‌ها کمک خواهد کرد. ضمن این‌که برنامه‌های منطقه‌ای باید بر مبنای برنامه‌های محلی و ملی

تهیه شوند.

۹- تصمیم‌گیری در هر پایه بر اساس نیازها، مسائل و مشکلات، منابع، اولویت‌ها و داده‌های ارائه شده از سطوح

پایین باشد.

۱۰- تشویق و نهادینه کردن مشارکت مردم، نمایندگان آن‌ها و سازمان‌های غیردولتی در برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و

ارزشیابی برنامه‌های توسعه روستایی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی.

۱۲- تصویب و تکمیل قوانین و مقررات مناسب و ایجاد مدیریت یکپارچه و واحد در برنامه‌ریزی و اجرای

برنامه‌های توسعه روستایی و تفکیک دقیق وظایف بین دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی - بخشی در این زمینه، با

ایجاد سازمان عمران و توسعه روستایی در کشور (در سطح ملی، استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها) به عنوان متولی اصلی برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه درسته محلی.

۱۳- استفاده مؤثر و کافی از نیروی کارشناس موجود در کشور در زمینه تهیه و تصویب برنامه‌های توسعه روستایی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی.

۱۴- ارتقای سطح فرهنگ روستایی به منظور شناخت جایگاه خود در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی، مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، افزایش مهارت و تخصص آن‌ها جهت استفاده حداکثری از ظرفیت بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه کشاورزی.

References

- Allen. Frank & Ozcan Nurollah (2006), "Rural development in EU- Turkey", 21th meeting of the EU-Turkey Joint Consultative Committee, Kayseri, Turkey
- Bayazit.M & Avci,I (1997), "water Resourcesurkey:Potential,Planning, Development and Management", Water Resources Development,Vol. 13, No.\$, 443-452
- Baysan.N (2000), "Agricultural Development Strategies and Southeeastern Anatolia" Project regional Development Activities in the GAP Region, available at:
- Azkiya, Mustafa (2006). Rural Participatory Appraisal (theoretical research methods Course notes) Tehran: Tehran University, Department of Development Studies. [In Persian].
- Chavan, J., (2008.) The geography of Iran, Mashhad: Jihad publications of the Mashhad University. [In Persian].
- Development Approaches to Regional Planning (1999 (Module of Methods and Techniques of Development Planning and Management, DSE Training Course TK, Germany.
- Ghatak, maitresh and maitraya ghakat; 2000 recent reforms in panchyat. system in west Bengal: towards greatr participatoty coverment? deratment of economic university of chicage.
- Hafeznia, Mohammad Reza (2010). Introduction to Research Methods in Human Sciences, Tehran: samt publisher, seventeenth edition. [In Persian].
- Hussein zadeh Dalir , Karim (2010). Regional planning, tehran, samt publisher. [In Persian].
- Findley, Sally (2009). Internal migration planning. AbdulaLilahsayzadeh, Shiraz, Shiraz Navid press. [In Persian].
- Keshtkar, M., (2002). provincial migration and open - population distribution in Iran 75-1365, Journal of Population, No. 42, pp. 34-21[In Persian].
- Kidd, A.D. J.P.A. Lamers, P.P Ficarelli & V .Hoffmann. (2012) Privatizing Agricultural Extension: Caveat emptor, Journal of Rural Studies, 16.
- Lhsaei zadeh, Abdolali (2009).Migration, Shiraz: Navid Publications. [In Persian].
- Mahdavi, M., (1997). An introduction to the first volume of the rural geography of Iran, the Tehran press. [In Persian].
- Mashhadi zadeh Dehaghani, N., (2008). urban planning in Iran, Tehran: Iran University of Science and Technology. [In Persian].
- Molaei Hashjin, Nasrullah (2006). The geographical perspective (concepts, definitions, classifications), Quarterly geographical perspective, Islamic Azad University of Rasht. [In Persian].
- Momeni, M., (2012). Statistical analysis using SPSS, publishing a new book, VII. [In Persian].
- Olcay Unver. I. H (2010) Southeastern Turkey: Sustainable Development and Foreign Investment, available at: <https://www.oecd.org/investment/investmentfordevelopment/2350280.pdf>

- Pitie, Jean (1978). Rural migration, translated by Dr. M. Momeni Kashi, Tehran, Islamic revolutionary educational organizations and publications printing. [In Persian].
- Qadiri, masoom (2004). The axes and the challenges of rural management in Iran, geographical research, (50). [In Persian].
- Rabbani, R., (2010). Urban Sociology, Isfahan: Isfahan University Press. [In Persian].
- Shokuie, H., (2009). Philosophy and geography evolved, Tehran, Payam Noor University Press. [In Persian].
- Statistical Yearbook of Ardabil Province (2012). Publication Planning Department, Bureau of Statistics and studies governor of Ardebil. [In Persian].
- Statistical Center of Iran (2006). The results of the General Census of Population and Housing country. [In Persian].
- Taleb, M., (2008). Issues and barriers to the development of rural sociology in Iran, a social sciences, No. 7, Tehran. [In Persian].
- Taghavi Nejad Deilami, Mohammad Reza (1966). Architecture, urbanization in Iran Tehran over time, yasavoli Publications Cultural Center. [In Persian].
- Tavasoli, G. (1974). Urban sociology, Tehran University, Second Edition. [In Persian].
- Todaro, Michael (2010). Economic development in third world countries, Farjadi GA translations, Tehran: publications Koohsar, Seventeenth Edition. [In Persian].
- Zanjani, Habibollah (1986). Immigration, tehran: samt publisher. [In Persian].